

تاثیر معلم در ایجاد خلاقیت و نقش خلاقیت و نوآوری در پیشرفت دانش آموزان

سجاد بهشتی قوزلو

کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان واحد آزادگان نیر

sajjadbeheshti79@gmail.com

چکیده

خلاقیت و نوآوری از اصلی ترین علل پیشرفت تمدن ها به شمار می رود. تمام فناوری های که امروزه بشر از آنها استفاده می کند نظیر تلفن، رایانه، گوشی های هوشمند هواپیما و ... نقاط عطفی از اختراعات و اکتشافات و نمودی ارزشمند از تفکر و ذهن خلاق بشر است. امروزه ثابت شده است که خلاقیت یک ویژگی صرفاً ذاتی نیست، بلکه همه ی انسانها از این توانایی برخوردار هستند و همه درجات گوناگونی از این استعداد را دارند. علاوه بر این عواملی همچون مهارت یابی، آموزش پذیری، انعطاف پذیری، سطح دانش و آگاهی، خطرپذیری، نترسیدن از اشتباه و شکست نیز در میزان خلاقیت و نوآوری تأثیر فراوان دارند. معلم می تواند همه ی این عوامل را به صورت یک مجموعه در دانش آموزان شناسایی کند و بکوشد آنها را پرورش دهد.

واژگان کلیدی: خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، موانع خلاقیت

1

مقدمه

رفتار و عملکرد معلم می تواند زمینه های رشد خلاقیت را در دانش آموزان ایجاد کند. طبق الگوی جدید، معلمان از طریق پنج عملکرد اساسی می توانند زمینه های رشد خلاقیت را در دانش آموزان فراهم کنند. این پنج عامل شامل عوامل شخصیتی، حرفه ای، برنامه درسی، محیط آموزشی و ایجاد فرصت هایی برای حل مسئله است. معلم خلاق، محیط آموزشی و برنامه درسی مناسب می تواند دانش آموز را خلاق کند و این سه اصل الگوی سیستم خلاق ویلیامز هستند.

«امروزه آموزش در اغلب کشورهای پیشرفته متحول شده و سعی می شود با شکستن چارچوب های آموزش سنتی و به کارگیری روش های جدید، آموزش ها موثرتر و کاراتر شود و بدین ترتیب فکر دانش آموزان پرورش یابد امروز پیشرفت های اخیر صنعت، رایانه و مخابرات راه هایی برای بهبود امر یادگیری و دسترسی به اطلاعات بیشتر شده است تا یادگیری حالتی خودآموز شود و بدین ترتیب با مشغول کردن افکار برای استقلال در یادگیری، موجب رشد تفکر خلاق و در نهایت باعث پیدایش آثار خلاقیت شود. به طور کلی معلمان باید برای حل مسائل، فرصت هایی را ایجاد کنند که نیازمند تفکر خلاق باشد. بلوم معتقد است معلمان نقش مهمی در رشد کودکان خلاق و مستعد بازی، ایفا می کنند. بل والاس می گوید: در کلاس های خلاق، فکر بیش از حافظه ارزش دارد. معلم، تعادلی بین امنیت روانی و آزادی برقرار می کند تا دانش آموز بتواند ریسک کند، معلم هدایتگر و تسهیل کننده است. (دشتی، ۱۴۰۰).

مفهوم خلاقیت

واقعیت این است که تا کنون، روان شناسان و محققان، برداشت های متفاوتی از این واژه داشته و تعاریف متنوعی از آن ارائه کرده اند. وجود چنین اختلاف نظری، ناشی از ماهیت پیچیده آن است. برخی در تعریف خلاقیت، گفته اند: «خلاقیت، ترکیبی است از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول، به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن، رضایت شخصی و احتمالاً خوشنودی دیگران خواهد بود».



بنابراین، خلاقیت، یک فرایند ذهنی است که از فرد معینی و در یک زمان مشخص دیده می شود؛ فرآیندی که در نتیجه آن، یک اثر جدید - اعم از ایده یا چیزی نو و متفاوت - تولید می شود. تولید جدید و متفاوت، می تواند کلامی یا غیر کلامی و عینی یا ذهنی باشد. در مطالعه پیرامون خلاقیت، به دو نکته مهم زیر باید توجه داشت:

۱. اول آن که خلاقیت می تواند خلق اشکال یا صورت های جدیدی از ایده ها یا تولیدات کهنه باشد. در این صورت، اغلب فکرها و ایده های گذشته، اساس خلاقیت های تازه است.

۲. دوم این که خلاقیت امری انحصاری است و حاصل تلاش فردی و تنها یک موقعیت یا مسئله عمومی نیست؛ از این رو، فردی ممکن است چیزی را خلق کند که قبلاً هیچ گونه سابقه ذهنی از آن نداشته باشد؛ اگر چه آن چیز به صورت های مشابه یا کاملاً یکسان قبلاً توسط شخص دیگری و در موقعیت خاصی خلق شده باشد.

خلاقیت، مستلزم بهره گیری از نوع خاصی از جریان فکری است؛ چیزی که یکی از روان شناسان، به نام گیلفورد، آن را «تفکر واگرا» نامید؛ تفکری که به گونه ای متفاوت از جریان عام فکری جامعه، در حل مسائل، نمود پیدا می کند.

به عبارت دیگر، فرد خلاق، تمایل دارد که مسائل مختلف را به طرق متفاوت حل کند؛ هر چند در ظاهر، یک راه حل بیشتر برای آن وجود ندارد.

با توجه به روشن شدن تعریف خلاقیت، به پاسخ این پرسش می پردازیم که چگونه می توان خلاقیت را توسعه و گسترش داد؛ ولی قبل از آن باید گفت که خلاقیت، امری توسعه پذیر است و همه افراد، از توانایی بالقوه خلاقیت برخوردارند. برای توسعه خلاقیت، به امور زیر توجه کنید:

۱. از آن جا که خلاقیت، امری فردی و شخصی است و هر کسی متناسب با توانایی های فردی و منحصر به فرد، می تواند به توسعه و گسترش آن اقدام نماید، جهت تقویت این امر، باید به سراغ توانایی های فردی و منحصر به فرد رفت و به ارزیابی آن پرداخت.

۲. میزان حساسیت در درک مسائل، نقش مهمی در خلاقیت دارد؛ بنابراین، با افزایش و گسترش دقت و حساسیت در درک مسائل، می توان به توسعه خلاقیت فردی کمک کرد.

۳. بدون شک، آزمایش، تجربه و کنکاش، رابطه مستقیمی با خلاقیت دارند؛ پس برای رشد آن، باید از طریق افزایش تجربه، پژوهش و انجام آزمایش های متنوع و متکثر، اقدام کرد.

۴. اندیشه تخیلی، یکی از راه های مؤثر در برانگیختن قدرت خلاقیت محسوب می شود؛ زیرا تخیل، نوعی تفکر آزاد است که ضمن آن، ذهن فرد، متوجه حل یک مسئله واقعی، به گونه ای که در عالم خارج وجود دارد، نمی شود؛ بلکه در تخیل، فرد خارج از قیود و هنجارهای موجود، آزادانه آن چه را که تمایل دارد، در ذهن خود تصور می کند. در چنین شرایطی، فرد، هرگز خود را محدود و محبوس در حصار واقعیت ها و امور مشهود و ملموس نمی کند و فارغ البال، هر آن چه را که دلش می خواهد، تصور می کند. یکی از روان شناسان معاصر، به نام هرلاک، خلاقیت را شکلی از تخیل کنترل شده می داند که منجر به نوعی ابداع و نوآوری می شود. از طرف دیگر، یکی از ویژگی های مشترک میان افراد خلاق که مورد قبول همه روان شناسان و محققان این رشته است، وجود قدرت تخیل فوق العاده، در نزد همه کودکان و بزرگ سالان خلاق است. (شریعتمداری، ص ۱۰۹).

۵. خلاقیت، با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است؛ (افروز، ص ۱۰۰) از این رو، برای رشد و گسترش خلاقیت، برخورداری از اعتماد به نفس، کاملاً ضروری و لازم است. بنابراین، از طریق رشد و تقویت اعتماد به نفس و بهره گرفتن از روش های متداول و مورد توصیه روان شناسان، می توان به توسعه و رشد خلاقیت فردی پرداخت.

۶. خلاقیت از طریق بیان احساسات و برداشت های شخصی، غنی تر و عمیق تر می گردد؛ پس می توان با صحبت کردن درباره تجربه ها و تجزیه و تحلیل های شخصی و در میان گذاشتن نقطه نظرات خود با دیگران، به خصوص صاحب نظران و افراد با تجربه،

زمینه گسترش و توسعه خلاقیت را فراهم کرد. در بسیاری موارد، بیان، توصیف و گزارش تجربه شخصی، به درک رابطه پدیده ها منجر می شود و رابطه منطقی آنها کشف می شود و همین امر، به یک نوآوری ختم می شود.

۷. خلاقیت، توسعه آگاهی، توانایی جذب و بهره مندی از همه نعمت های زندگی است. (افروز، ص ۱۰۰) بر اساس آن چه گفته شد، خلاقیت توسعه پذیر است و می توان به کمک بیرون، توانایی درونی فرد را شکوفا کرد. هر فردی با بهره گرفتن از تمام شناخت های قبلی و تمرکز ذهنی داشتن بر آن و تجهیز کردن خود به موتور حرکت و افزایش بعد انگیزشی، خواهد توانست به کشف ویژگی های منحصر به فرد خود اقدام کرده، با در اختیار گرفتن تمام داده ها و نعمت های وجودی، به گسترش این ویژگی بپردازد.

بدیهی است که اگر این ویژگی را غیر متأثر از عوامل بیرونی و ارادی بدانیم، هرگز به فکر تعمیق و غنا بخشیدن به آن نخواهیم بود و از آن جا که روان شناسان و متخصصان، این ویژگی را حداقل تا سی سالگی، قابل توسعه و گسترش می دانند، این راهکار، یعنی توسعه آگاهی، توانایی جذب و بهره گیری از تمام امکانات زندگی، نیز مؤثر و کارآمد خواهد بود. مطالعات انجام شده توسط سیسک (۱۹۸۹م.) یکی از روان شناسان حاکی از آن است که اوج خلاقیت در حدود سی سالگی است و پس از آن، در همان حد باقی مانده یا به تدریج کاهش پیدا می کند و به همین خاطر است که توجه به مسئله «آفرینش های ذهنی در دوره کودکی، نوجوانی و جوانی» فوق العاده حائز اهمیت است.

۸. اوقات فراغت، همواره بستر مناسبی برای خلاقیت هاست. از آن جا که ذهن انسان در اوقات فراغت، به فعالیت موظفی مشغول نیست، انسان می تواند فارغ از قالب های از پیش طراحی شده، پیرامون مسائل مورد علاقه، فعالیت داشته باشد. انسان در اوقات فراغت، می تواند با طیب خاطر و آزادانه اندیشه نموده، در حل مسائلی که در حوزه شناختی او مطرح هستند، از تفکر واگرا بهره گیرد؛ همان تفکر واگرا یا خلاق که خمیرمایه نوآوری ها و اختراعات بشری است.

تحقیقات انجام شده در زمینه ویژگی های افراد خلاق توسط سیسک (۱۹۸۵م.)، نشان می دهد که آنان علاوه بر این که از هوشی سرشار، صداقت، صراحت و انعطاف پذیری برخوردار هستند، از اوقات فراغت خود حداکثر بهره را گرفته، با آزاداندیشی و تفکر واگرا، مسائل مختلف را بررسی می کنند و به راه حل های نو دست می یابند.

در واقع، وجود فشار زمان یا فشار وقت در زندگی روزمره، خود زمینه ساز تنش و اضطراب فزاینده است. بدیهی است که وجود اضطراب شدید نیز از آفات تفکر مولد و خلاق است.

معلم و نقش او در پرورش خلاقیت دانش آموزان :

در دوره ابتدایی که اثر پذیری، نقش پذیری و انعطاف پذیری بیش تری به چشم می خورد ضرورت دارد که سعی کنید بیش از پیش یک معلم نو اندیش، نوآور خلاق باشید. زیرا معلم اگر در ابتدای امر آموزش خلاقیت را به دانش آموز به صورت کلی ارائه دهد ولی خودش الگوی عملی خلاقیت نباشد برای او تناقض و تضاد شناختی به وجود می آورد.

در حقیقت معلم باید با رفتار عملی خود به شکل خلاقانه ای اندیشه ها و افکارش را نمایش دهد و با ابزار احساس عاطفه و شکل های گوناگون کلامی و غیر کلامی خلاقیت فرصت نمونه برداری ادراکی را برای دانش آموزان فراهم کند تا او بتواند به خلاقیت نوآوری دست یابد. [2]

ابی آرتورا - کارین در باره نقش خلاقیت معلم می نویسد: « معلمانی که از خود رفتار خلاق نشان می دهند، محیط های کلاس درسی به وجود می آورند که خلاقیت را ارتقا می دهند. این معلمان از موانع حسی - فرهنگی در کلاس خود پرهیز می کنند. « صبوری و انگیزه مهم ترین لازمه ی کار معلم است. در نگاه های تازه و فعالیت های خلاق، همواره خطر پذیری وجود دارد. معلم خلاق، فرصت ساز است. [1]

او فرصتی از جنس لذت و رضایت را به شاگردانش پیشکش می کند و به آنان می آموزد همیشه راه دیگری نیز وجود دارد.

معلم خلاق، تفکر خلاق را بسیار با ارزش می داند و کاری می کند که بچه ها به راحتی از کنار هم و از محیط خود عبور نکنند، حساسیت های تعالی بخش را به شاگردانش تسری می دهد و می کوشد آن هارا از خود بی نیاز کند. از نگاهش باران شوق بر سر شاگردانش می بارد و زندگی و طراوت در کلاس جاری می شود. از روش های معلم خلاق جهت بروز استعداد های دانش آموزان، روش تدریس فعال و مشارکتی آنان می باشد.

موانع خلاقیت

برای اینکه بتوانیم خلاقیت را پرورش دهیم، باید بتوانیم موانع خلاقیت را بشناسیم و آنها را از سر راه خود برداریم. به همین دلیل معلمان ابتدایی باید بدانند چه موانعی بر سر راه خلاقیت آنها وجود دارد زیرا گام اول در برطرف کردن موانع خلاقیت شناسایی نقاط ضعف خود و موانع درونی و بیرونی خلاقیت ها است. [9]

اولین مانع خلاقیت، ارزیابی منفی از خود است. وقتی یک معلم احساس کند استعداد ندارد همین تصویر ذهنی منفی او باعث می شود قدرت خلاقیت او هم کاهش یابد. تصویری که ما از خودمان داریم در احساسات، عواطف و رفتار ما تاثیر می گذارد. تاثیر ذهنی منفی ما را نسبت به خودمان ناامید می کند. بنابراین بهتر است با ایجاد اعتماد به نفس این مانع را از بین ببریم و ارزیابی مثبتی از خود داشته باشیم زیرا انسانی که خودش را مثبت ارزیابی می کند فضای مثبت انرژی های روانی اطراف او موجب افزایش انگیزش و فعالیت های خلاق او می شود. [9]

4

یکی دیگر از موانع خلاقیت آموزشی معلمان و شاگردان، ترس از آینده است. وقتی ما از آینده می ترسیم قدرت پیش بینی آینده را نداریم و نمی توانیم شاد، امیدوار و خلاق به آینده نگاه کنیم و برخورد خوبی با موقعیت های خلاق داشته باشیم. در حالی که اگر به جای ترسیدن از آینده به آن فکر کرده و بتوانیم از مهارت های خود برای کنترل آن استفاده کنیم، نه تنها نگران از دست دادن انرژی ها نخواهیم بود بلکه برخوردی راحت با آینده و حال حاضر خواهیم داشت. [9]

وقتی ما از یادگیری لذت نبریم، یادگیری عمیق و پایدار را تجربه نمی کنیم و اگر بخواهیم این دانش را به فهم کاربرد، تجزیه و تحلیل و ترکیب که عالی ترین سطح خلاقیت در یادگیری است تبدیل کنیم خیلی مشکل خواهیم داشت. در یادگیری غیرلذت بخش رفتارهایی مانند کنجکاوی، پرسشگری، تفکر نقاد، تفکر خلاق و جست و جوی ذهنی کم می شود پس باید با دقت، حوصله، تمرکز حواس، مهارت خوب گوش دادن، خوب نگاه کردن، شیرین صحبت کردن، استفاده از نمایش در روش تدریس و بهره برداری از الگوی یادگیری مشارکتی، میزان لذت یادگیری در کلاس را افزایش دهیم تا زمینه های خلاقیت در کلاس درس ما فراهم شود. [9]

نبود برنامه ریزی باعث می شود ساعت های زندگی خود را بدون کاربرد مثبت و موثر از دست بدهیم. همین امر می تواند کل برنامه ها و فعالیت های هوشی و ذهنی ما را مختل کند. معلمان ابتدایی همیشه از شاگردان خود می خواهند برنامه داشته باشند، ولی اگر خودشان برنامه یی نداشته باشند نمی توانند به اهداف مورد نظرشان در مدرسه، جامعه و خانواده برسند. [9]

برای خلاقیت به دو نیمکره مغز نیاز داریم. افرادی که بیشتر از یک نیمکره استفاده می کنند مانع پرورش تمام استعداد خلاق خود در دو نیمکره هستند. به همین دلیل بهتر است فعالیت دو نیمکره مغز را تقویت کنیم و باعث خلاقیت شویم. [9]

یادگیری از طریق دو نیمکره، لذتبخش تر است. گرچه عملکرد نیمکره چپ براساس الگوهای نظم دادن، از هوش منطقی ریاضی استفاده می کند ولی با نظم دادن به فرآیند سخن گویی، هوش لفظی - زبانی را هدایت می کند. نیمکره راست با درک تناسب ها و فضا، از هوش تجسمی - فضایی استفاده می کند یا در ارتباطات و معنی یابی به هوش درون فردی و برون فردی کمک می کند و با هماهنگی و تعادل بخشی به تحریکات بدن باعث توسعه هوش بدن - حرکتی می شود و در کنترل احساسات به هوش درون فردی یاری می رساند. [9]



به همین علت لازم است ما کارکردهای دو نیمکره مغز را خوب بشناسیم و با یادگیری موسیقی، منطق و ریاضی، استدلال، هماهنگی و نظم خلاقیت خودمان را افزایش دهیم. [9]

یکی دیگر از موانع خلاقیت مقایسه خودمان با دیگران است در حالی که این مقایسه کردن نه تنها انرژی های روانی ما را هدر می دهد، بلکه سطح انگیزش و تلاش ما را کاهش می دهد. برای رفع این مانع می توانیم سعی کنیم خود را با خودمان مقایسه کنیم تا بیشتر از اینکه با دیگران مشغول باشیم به خود فکر کنیم و باعث رشد و شکوفایی استعداد خلاقیت خود شویم. انسان وقتی یاد می گیرد از مقایسه خودش با خودش لذت ببرد دیگر احساس منفی، حقارت، حسادت، نفرت و رقابت نادرست در وجودش شکل نمی گیرد. در این صورت به رشد و تعالی می رسد. [9]

بسیاری از معلمان ابتدایی، خلاقیت را بسیار دشوار می پندارند و تصور می کنند آنها نمی توانند فردی خلاق، مبتکر و آفریننده باشند. ولی در بررسی نتایج عملکرد آنها تغییرات زیادی در سازماندهی ذهنی و ادراکی آنها نسبت به این موضوع ایجاد شده است. تا زمانی که یک معلم، یادگیری خلاقیت و رفتار خلاق را بسیار دشوار و دست نیافتنی می پندارد، برای به دست آوردن آن تلاش نمی کند در حالی که وقتی پی ببرد مانند همه انسان های دنیا استعداد خلاقیت دارد راحت تر به خلاقیت می پردازد. [9]

نبود اعتماد به نفس

معلمی که نسبت به خودش، کارش، بودنش و تصویر ذهنی خودش احساس خوبی ندارد، به تدریج اعتماد به نفس خود را از دست می دهد. اگر باور کنیم قادریم خلاق عمل کنیم، اعتماد به نفس، حس پرجاذبه و دلنشینی برای ما به وجود می آورد. احساس ما را قوی تر می کند و بر رفتار آموزشی ما در کلاس درس موثر است. معلم با اعتماد به نفس بهتر می تواند اعتماد شاگردان خود را به دست بیاورد و تاثیر آموزشی او چند برابر معلمی است که با صدای ضعیف و با احساس خودکم بینی و سردی عاطفی رفتار می کند. معلم با اعتماد به نفس بیشتر به اهداف آموزشی خود دست پیدا می کند و شاگردان را طوری تربیت می کند که بتوانند مسائل شان را خودشان حل کنند، نه اینکه مسائل بیشتری را برای خانواده و مدرسه ایجاد کنند. [9]

ویژگی های معلم پرورش دهنده ی خلاقیت

مربی یا معلمی که می خواهد یک کلاس ویژه ی پرورش خلاقیت را اداره کند و یا این که علاقه مند است در جریان تدریس روزمره ی خود به طور جدی پرورش خلاقیت دانش آموزان را هم مد نظر داشته باشد، اگر چنانچه از خصوصیات و نگرش های ویژه ای که با ماهیت و فرایند خلاقیت مناسبت دارد، برخوردار باشد، مطمئناً در کار خود بسیار موفق تر عمل خواهد کرد. البته یک چنین معلمی حتماً لازم نیست که خودش فردی بسیار خلاق باشد، اما اگر چنانچه شخصاً از مهارت های اساسی خلاقیت برخوردار باشد و بتواند عملاً از آن ها استفاده کند. [10]

برخی از ویژگی های معلم علاقه مند به خلاقیت که داشتن آن ها به بازدهی بیش تر کلاس و تدریس او می انجامد: [10]

- ۱: فردی انتقاد پذیر باشد.
- ۲: تحمل عقاید نو دانش آموزان را داشته باشد.
- ۳: از صبر و تحمل بالایی برخوردار باشد.
- ۴: به تفاوت های فردی و منحصر به فرد بودن تک تک دانش آموزان اعتقاد داشته باشد.
- ۵: از انگیزه ای قوی برخوردار باشد.
- ۶: پذیرایی ایده ها و نظرات غیر عادی دانش آموزان خود باشد.
- ۷: دوست دار هنر و زیبایی شناسی باشد.
- ۸: تا حد امکان به دانش آموزان خود آزادی عمل بدهد.

۹: در چند زمینه ی مختلف معلومات و مهارت داشته باشد.

۱۰: برای هر دانش آموز احترامی ویژه قائل باشد.

۱۱: خیال پردازی دانش آموزان را تشویق کند.

۱۲: در مواقع لزوم بتواند کودکانه بیندیشد و کودکانه عمل کند.

۱۳: به دانش آموزان خود اجازه دهد که گاهی اشتباه کنند!

معلم دوست دار خلاقیت: احساس می کنم اگر به دانش آموزانم اجازه ی اشتباه کردن را بدهم ، بزرگ ترین چیزها را به آن آموخته ام.

راهکارهایی برای پرورش خلاقیت در دانش آموزان

راهکارهایی بیان شده در ادامه را می توان به عنوان روش هایی برای پرورش خلاقیت در دانش آموزان به کار برد:

۱- باز سازی ایده های گذشته

وقتی از دانش آموزان برای اولین بار می خواهید که خلاقیت خود را در زمینه ای به کار بگیرند ، غالباً مقاومت می کنند و با سوالات متعدد نه تنها خود از زیر بار فکر کردن می گریزند بلکه شما را هم سرگردان و کلافه می کنند . برای پیشگیری از این وضعیت بهتر است ابتدا از آنها بخواهید تا درباره یک ایده یا موضوع موجود فکر کنند و سعی کنند آن را به شکل جدیدی مطرح کنند . مثلاً از آنها بخواهید که یک نقاشی از طبیعت بکشند و رنگ کنند . سپس از آنها بخواهید همان نقاشی را به گونه ای متفاوت و غیر معمول بکشند مثلاً درختان را به صورت آویخته از آسمان بکشند ، ماهی ها را به جای این که داخل برکه بکشند در آسمان نقاشی کنند و در عوض خورشید را روی زمین بکشند . آسمان را به رنگ دلخواه مثلاً قهوه ای کنند و خورشید را مثلاً آبی کنند . این تمرین به شما کمک می کند که دانش آموزان خود را برای به کار گرفتن قدرت اندیشه و خلاقیتشان آماده کنید. به آنها بیاموزید که نباید در برابر چیز هایی که غیر معمول هستند مقاومت کنند یا آن را مسخره کنند . آنها باید بدانند که اختراعات از افکار غیر معمول به وجود می آیند.

۲- آموزش تفکر مستقل در حل مساله

به دانش آموز کمک کنید تا خودش بیاموزد و تصمیم بگیرد . آموزش تفکر مستقل به دانش آموز مهمترین روش پرورش خلاقیت اوست . روش تدریس اکتشافی بهترین انتخاب برای این منظور است.

به دانش آموز اجازه بدهید تا ایده ه اش را به روشنی و بدون ملاحظه بیان کند ، وقتی به خیال پردازیهای او بها می دهید و مورد توجه و تشویق قرار می دهید ، علاوه بر این که اعتماد به نفس او را تقویت می کنید ، باعث می شوید اندیشه او آزادانه به پرواز درآید . به دانش آموز فرصت بدهید تا ایده هایش را بیان کند . این کار در حقیقت به او کمک می کند مهارت تفکر بحرانی وی گسترش یابد. علاوه بر این او کم کم ساختار سوالات را تشخیص می دهد و با آنچه او را به موفقیت می رساند آشنا می شود. از دانش آموزان بخواهید در سکوت به راهی که برای حل مساله خود دارند فکر کنند و سپس استراتژی هایشان را برای پیدا کردن راه حل به بحث بگذارند. سپس از آنها بخواهید که به صورت انفرادی یا گروهی با توضیح دادن مراحل کارشان شرحی بر درستی جوابشان بنویسند . در نهایت به جای این که خودتان مساله را حل کنید دانش آموزان را تشویق کنید تا خودشان نمونه جواب ها را در کلاس ارایه و درباره آنها بحث کنند و پاسخ های کامل و صحیح را بیابند.

۳- ایجاد فضای حمایت کننده در کلاس

اگر بتوانید فضای کلاس را به گونه ای ایجاد کنید که به جای رقابتی بودن ، حمایتی باشد ، گام بزرگی در ایجاد اعتماد به نفس در آنان برداشته اید و این ، خود ، مقدمه بروز خلاقیت در آنهاست. آنها را به گروه های کوچکی تقسیم کنید و از هر گروه از آنها بخواهید روی یک موضوع ولی با استراتژی های مختلف کار کنند هدف مشترک آنها را به حمایت و همکاری با یکدیگر و خواهد داشت. مثلاً

از آنها بخواهید که یک نفرشان برای حل مساله از محاسبات جبری استفاده کند ، دیگری نمودار بکشد ، نفر بعدی از مکعب های بازی استفاده کند و دیگری مراحل حل مساله را بنویسد. در عین حال آنان را تشویق کنید تا از یکدیگر کمک و راهنمایی بگیرند و منتظر نباشند تا شما کمکشان کنید. به آنها بیاموزید که قبل از مراجعه به شما به منابع کمک کننده از جمله هم گروهی ها و همکلاسی هایشان مراجعه کنند. این مساله باعث می شود تا بیاموزند که همسالانشان هم دانش لازم برای کمک به آنان را دارند و می توانند درست جواب بدهند.

۴- مقاومت در برابر اصرار به کمک

غالباً وقتی مساله ای برای دانش آموز مطرح می شود از معلم می خواهد که به او کمک کند . گاهی اوقات مقاومت در برابر اصرارش به کمک در حل مساله مشکل است. اغلب معلم بار مسوولیت یادگیری دانش آموز را به دوش می کشیم . به این ترتیب اودر مهارتش خود را به معلم وابسته می یابد و اعتماد به نفس و توانایی خود را از دست می دهد. بنابراین وقتی دانش آموز اصرار به کمک گرفتن از شما را دارد ، به او اطمینان بدهید که با کمی تلاش بیشتر بدون کمک شما می تواند مساله را حل کند . اگر دانش آموز از شما اطلاعاتی را می خواهد، به جای دادن پاسخ ، او را به منابعی که در آن می تواند اطلاعات لازم را بیابد راهنمایی کنید تا باز هم بر اتکا به نفس او بیفزاید و استقلال را در او تقویت کنید.

۵- تشویق به تحقیق و مطالعه

هر قدر اطلاعات را راحت تر در اختیار دانش آموزان قرار دهید ، آن را بی ارزش تر و ارزانتر جلوه داده اید . اگر بی محابا اطلاعات به دانش آموزان عرضه کنید ، او شما را منبع اطلاعاتی خود یافته از مراجعه به سایر منابع اطلاعاتی امتناع خواهد کرد که این مساله باعث می شود ذهن او در محدوده خاصی که محدوده اطلاعاتی شماست حرکت کند و این مساله خود باعث خاموشی خلاقیت است . برای این که دانش آموز خلاق داشته باشید باید او را به منابع اطلاعاتی راهنمایی کنید . باید دانش آموزان را به مطالعه و تحقیق تشویق کنید تا با مراجعه به انواع منابع اطلاعاتی بتوانند با سایر اندیشه ها و اطلاعات آشنا شوند و به اصطلاح ذهنشان باز شود . برای این که اهمیت مطالعه و تحقیق را به آنان بیاموزید راهکارهای متعددی پیش رو دارید . مثلاً این که از دانش آموزان بخواهید که پس از صحبت درباره موضوعی ، منابع اطلاعاتی خود را درباره آن موضوع بیان کند تا میزان ارزش ان مطلب با توجه به میزان ارزش ماخذ آن معلوم گردد. یا این که از آنان بخواهید که هرگاه مطلبی را از کسی می شنوند ، قبل از پذیرش یا رد آن ، درباره اش تحقیق کنند تا صحت و سقم آن معلوم گردد. تاکید کنید که باید از چند منبع به جای یکی استفاده کنند. نیز می توانید به دانش آموزانی که بیشتر تحقیق و مطالعه می کنند توجه کنید تا دیگران هم تشویق به مطالعه شوند .

۶- تشویق به داشتن دفترچه ایده های نو

همه ما گاهی ذهنمان بسیار فعال است و مدام ایده های نو به ذهنمان خطور می کند و گاهی آنقدر ذهنمان آشفته و به هم ریخته است که نمی توانیم ان را کنترل و جهت دهی کنیم . برای این که بتوانیم از ظرفیت های مغزمان به نحو احسن استفاده کنیم ، لازم است افکار نابمان را در هر لحظه که به ذهن می رسد در جایی ثبت و نگهداری کنیم تا در فرصت مناسب بتوانیم آن را پرورش داده به نتیجه برسانیم و یا روی آن کار کنیم تا آن ایده خام به ابداعی پخته و کاربردی بدل شود . دانش آموزان را تشویق کنید تا برای این کار همواره دفترچه ای به نام دفترچه ایده ها د نو به همراه داشته باشند و ایده ها و افکار خود را در آن ثبت کنند. حتی برای تشویق می توانید از آنها بخواهید که در هر جلسه ایده های نو خود را که ثبت کرده اند به کلاس بیاورند و ایده شان را با همکلاسی هایشان به بحث و تبادل نظر بگذارند و به اصطلاح پرورش دهند.

۷- آموزش فکر کردن به ایده های دیگران

به دانش آموزان خود بیاموزید که علاوه بر این که ایده های دیگران را می شنوند، به آن بیندیشند . چه بسا از ایده آنها ، ایده تازه ای در ذهن خودشان متولد شود .



۸- ایجاد تغییر و تنوع در کلاس

اگر دانش آموزان هر دفعه که با شما کلاس دارند، حدس بزنند که شما در کلاس چه خواهید کرد، کلاس شما برای آنها نه تنها کسل کننده خواهد شد بلکه الگوی مناسبی برای آنان به عنوان یک معلم خلاق نخواهید بود. بنابراین سعی کنید در اداره کلاس نیز خلاق باشید. هر دفعه به روشی جدید تدریس کنید، هر بار از نقطه ای متفاوت وارد مطلب درسی بشوید و هر دفعه به گونه ای متفاوت کلاس را اداره کنید. هر بار به شکلی مختلف در کلاس نقش ایفا کنید و در این راه دانش آموزان را نیز با خود همراه کنید. نگذارید آنها حدس بزنند که امروز چگونه کلاسی خواهند داشت. حتی پوشش خود و دکوراسیون کلاس را هر از چند گاهی تغییر دهید. مثلا با نظر دانش آموزان نحوه چینش میز و صندلی ها و کمد را تغییر دهید. کارهای عملی را که قدیمی هستند از روی برد بردارید و آثار جدید تر را به جای آنها نصب کنید. این مساله نه تنها آنها را به کلاس علاقمند خواهد کرد بلکه خلاقیت را به صورت عملی به آنان خواهد آموخت چرا که آنان بیش از گوشه‌ایشان، با چشمه‌ایشان می آموزند.

۹- تشویق به فعالیت در زمینه مورد علاقه

بدیهی است که هر دانش آموز در زمینه خاصی استعداد دارد و یا به آن علاقمند است. شما به عنوان معلم باید به تفاوت های فردی دانش آموزان احترام بگذارید و آنان را تشویق کنید تا در زمینه مورد علاقه شان به فعالیت بپردازند. بدین ترتیب شما نقش خود را به عنوان راهنما به درستی ایفا خواهید کرد. بدیهی است اگر هر دانش آموزی در زمینه ای که به آن علاقمند است فعالیت کند، انگیزه کافی برای بروز خلاقیت در آن زمینه را خواهد داشت و در نهایت به موفقیت دست خواهد یافت. مراقب باشید نظر شخصی خود را به آنان تحمیل نکنید و بگذارید آزادانه فعالیت کنند. فراموش نکنید که شما فقط نقش هدایت و راهنمایی آنان را برعهده دارید و قرار نیست آنچه دانش آموز انجام می دهد مطابق میل، نظر و یا سلیقه شما باشد.

۱۰- اختصاص اوقاتی از کلاس درس به فکر کردن

غالباً در کلاس های درس البته بجز دروسی مانند ریاضی که حل مساله دارند تمام وقت کلاس به رد و بدل کردن اطلاعات می گذرد. معلم مطالبی را در قالب سخنرانی به دانش آموزان ارائه می کند و در نهایت همان مطالب را به صورت اطلاعات حفظ شده از دانش آموز می خواهد. حال آن که هدف از تدریس آموختن نحوه تفکر در مسائل مختلف به دانش آموز است. باید دانش آموز را به گونه ای تربیت کرد که درباره هر آنچه در کتاب های درسی و یا غیر درسی می خواند و یا هر چیزی که از یک منبع اطلاعاتی دریافت می کند فکر کند نه این که ان را حفظ کند. برای این منظور علاوه بر آموزش پرسشگری به دانش آموزان خوب است که در هر جلسه مورد تدریس مدتی هر چند کوتاه را به فکر کردن اختصاص دهید. بدین ترتیب که قبل از تدریس درباره موضوع مورد بحث فکر کنند و هر آنچه به ذهنشان می رسد چه سوال باشد چه نظریه باشد و یا حتی یک عبارت یا کلمه در کاغذی بنویسند. سپس مطلب درسی را به آنان ارائه کند و پس از تدریس نیز از آنان بخواهید درباره آنچه گفته و آموخته شده نیز فکر کنند و در همان برگه قبلی بنویسند. سپس درباره سوالات و جوابها و نیز نظرات در کلاس بحث کنید. این کار به دانش آموزان می آموزد که چگونه درباره چیزی فکر کنند، اطلاعات کسب کنند، مطلب را حلای کنند، بحث کنند و در نهایت نتیجه بگیرند و این همان مراحل تحقیق و تفحص است. علاوه بر این، طی این فرایند فرصت مناسبی برای بروز ایده ها و افکار نو پدید می آید که زمینه ساز بروز خلاقیت است.

نتیجه گیری

خلاقیت یک توانایی همگانی است که هم ناشی از عوامل مختلف فردی و شخصیتی است و هم عوامل اجتماعی آن مطرح است. چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است. یکی از مکانهای پرورش و رشد خلاقیت، مدرسه است. هنگامیکه کودک وارد مدرسه می شود، فرایند اجتماعی شدن در محیط



آموزشی شروع می شود. عوامل بسیار زیادی چون: تکالیف زیاد، تأکید بر حفظ دروس، اجرای برنامه های هماهنگ، عدم توجه به تفاوت های فردی و سرانجام عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگی های کودکان خلاق، سبب می شود که قدرت خلاقیت آنان بتدریج کاهش یابد. اما اگر مدرسه شرایط خود و روش های تدریس را بر پایه شناخت و پرورش استعداد های دانش آموزان، نیاز جامعه و نزدیک کردن محیط مدرسه به شرایط و زندگی بیرونی قرار دهد، می تواند در جهت شکوفایی خلاقیت در دانش آموزان گام بردارد.

منابع

- ۱- حسینی نسب، داود. انگیزش و رفتار. نشریه دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. سال ۱۳۷۱.
 - ۲- رشد آموزش ابتدایی. سال ششم. آذر ماه ۱۳۸۱. شماره مسلسل ۴۵.
 - ۳- رشد آموزش ابتدایی ۳. دوره دوازدهم. آذر ماه ۱۳۸۷.
 - ۴- رشد تکنولوژی آموزشی. دوره هفدهم. آذر ماه ۸۱-۱۳۸۰ شماره مسلسل ۱۳۶.
 - ۵- رشد تکنولوژی آموزشی. دوره هجدهم. آذر ماه ۸۲-۱۳۸۱ شماره مسلسل ۱۴۴.
 - ۶- سیف، علی اکبر. روان شناسی پرورشی. انتشارات آگاه. سال ۱۳۷۶.
 - ۷- لی کانتر، لی ها. مشق بدون اشک. ترجمه رئیسرا، مجید. تهران - انتشارات رشد - چاپ چهارم.
 - ۸- نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند. آبان ماه ۱۳۸۲. شماره ۲۸۹، ۳۰۱.
 - ۹- موانع خلاقیت و روش های برطرف کردن آن، دکتر عبدالرضا کردی، نشر مطالعات خانواده.
 - ۱۰- کتاب ((کلاس خلاقیت)) - منبع - سلیمانی، افشین « کلاس خلاقیت » انتشارات انجمن اولیاء و مربیان. تابستان.
 - ۱۱- فصلنامه خلاقیت و نوآوری، شماره ۹
- دشتی، فرزانه، ۱۴۰۰، نگاهی به پیشرفت تحصیلی و خلاقیت و عوامل موثر بر آن، همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.
- علی شریعتمداری، روان شناسی تربیتی، انتشارات امیرکبیر، ص ۴۰۹.
- غلامعلی افروز، مباحثی در روان شناسی و تربیتی، انجمن اولیاء و مربیان، ص ۱۰۰.
- کاظمی نافچی، فرزانه، ۱۴۰۱، شیوه های معلمان برتر برای پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان، پنجمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
- رسولی، سیده عصمت و امینی، حسین و قلی پور، مریم و حلیمی، علی، ۱۳۹۷، روش های تدریس خلاقانه، اولین کنفرانس ملی یافته های نوین در حوزه یاددهی و یادگیری، سیریک.
- دودانگه، نادر و عادل فر، دانیال و صالحی زاده، ساره و اسماعیل وندی، ایمان، ۱۳۹۵، موانع خلاقیت در دانش آموزان، دومین کنگره بین المللی توانمند سازی جامعه در حوزه علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
- ابراهیمی کاظم آزادی، مهدی، ۱۳۹۴، بررسی خلاقیت با جهت گیری خلاقیت سازمانی در دستگاه های اجرایی، پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت، تهران.